



الیاس کلانتری

## مقدمه

و بما ارسلناک الّا رحمة للعالمین (انبیاء، ۱۰۷/۲۱) یعنی ما تو را نفرستادیم جز رحمتی برای همه جهانیان. در این آیه از قرآن مجید خداوند عالمان، وجود پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) را رحمتی برای همه اهل عالم خداوند، است. آیه کریمه از جهات متعددی قابل بحث و تدبر و تحقیق است و از توجه به تفسیر گسترده و معانی مفهومی آن و در نظر گرفتن روابط متعدد آن با آیات دیگر قرآن مجید نکات علمی فراوانی روشن می شود، و معلوم می شود که آیه در دید وسیع و متدبرانه، مشتمل بر موضوعات و سؤالات فراوانی است که اهم آنها عبارتند از:

۱. رحمت وجودی پیامبر اکرم (ص) شامل همه انسانها اعم از پیروان دین توحیدی کامل و پیروان ادیان آسمانی قبلی و حتی کافران می شود. و همچنین علاوه بر انسان های متعالی و نیکوکار و رشد یافته، انسان های گناهکار و خطاکار هم در حیطة شمول این رحمت می توانند قرار بگیرند و از آن بهره مند شوند.
۲. این رحمت گسترده قطع شدنی نیست و استمرار دارد و می شود در همه زمانها شامل انسانها شود.
۳. بهره مندی از این رحمت اختصاص به انسانها ندارد، و موجودات دیگر حتی حیوانات هم امکان دارد مشمول این رحمت گسترده واقع شوند.
۴. بهره مندی از این رحمت و یا بعضی از مراتب آن احتیاج به زمینه و شرایطی دارد تا

که آن زمینه‌ها و شرایط بوسیله خود آن وجود مقدس و دیگر انسان‌ها لازم است فراهم شود.

۵. آیا بهره‌مندی از رحمت متمرکز در وجود و شخصیت رسول اکرم (ص) مستلزم ایمان آوردن به دین توحیدی و التزام به معارف و احکام آن می‌باشد؟! در جواب می‌شود گفت: این رحمت دارای مراتبی است و بعضی از آن مراتب شامل ایمان آورندگان و بعضی دیگر شامل دیگران هم می‌شود، به طوری که در نکته شماره ۱ به آن اشاره شد. طبعاً برای بهره‌مندی در سطوح متعالی ایمان به معارف دین توحیدی ضروری است و الا محرومیت عظیمی پیش خواهد آمد که هیچ چیزی آن را جبران نخواهد کرد.

۶. آیا برای بهره‌مندی از این رحمت واسعه یا مراتب خاصی از آن لازم است انسان‌های با علم، اخلاق و شخصیت و بطور کلی با زندگی آن حضرت آشنا شوند؟ جواب این سؤال هم مثل سؤال قبلی است. بهره‌مندی از وجود و علم و شخصیت آن حضرت (ص) در مراتب متعددی امکان‌پذیر است. و هر مقدار آشنایی با سیره شریف او بیشتر شود، امکان بهره‌برداری از آن رحمت در مراتب بالاتر فراهم خواهد شد.

۷. رحمت واسعه ناشی از وجود آن حضرت (ص) می‌تواند منشأ تحولی گسترده در زندگی انسان‌ها شود و می‌شود از طریق آشنا کردن انسان‌ها با شخصیت و سخنان و رفتارهای او، مشکلات زندگی انسان‌ها مثل خشونت‌ها و نابسامانیها و فقرها و جنگ‌ها را از بین برد و زندگی توأم با آسایش و امنیت و رفاه و دوستی و محبت در بین انسان‌ها برقرار کرد.

۸. لازمه داشتن رحمتی که بتواند شامل همه جهانیان در سطح گسترده زمان و مکان شود، علم و قدرت بی‌انتهاست، طبعاً علم بی‌انتهای قدرت بی‌انتهای خداوند عالمیان منتسب می‌شود! در این صورت چگونه می‌تواند دارای چنین رحمت بی‌انتهایی باشد؟! در جواب می‌شود گفت: این رحمت بی‌انتهای علم بی‌انتهای از ناحیه اتصال به خداوند عالم در سطحی بسیار متعالی در وجود رسول اکرم (ص) جریان می‌یابد. یعنی در حقیقت این رحمت واسعه، رحمت خداوندی است که به توسط وجود شریف رسول الله (ص) بین عالمیان جریان می‌یابد.

۹. رحمت وجود رسول اکرم (ص) در جهات متعددی جریان می‌یابد مثلاً علمی و فکری و اخلاقی و روابط اجتماعی و تأمین نیازهای زندگی دنیوی و در راهیابی بسوی مقصد حقیقی حیات یعنی زندگی اخروی.

۱۰. مراتبی از این رحمت واسعه در زمان ظهور آن حضرت و بعداً در طول تاریخ تحقق یافته و مراتب برتر و گسترده تر آن با ایجاد زمینه های مناسب و برطرف شدن موانعی در آینده تحقق خواهد یافت.

۱۱. بعضی از مراتب آن رحمت واسعه به صورت آشکار و مستقیم تجلی و ظهور کرده و بعضی دیگر به صورت غیر مستقیم و غیر آشکار به صورت های مختلفی تحقق یافته است. مثل: انتشار بعضی از فضائل اخلاقی در بین ملل مختلف و توجه به حقوق زنان و کودکان و اسیران جنگی و مثل گسترش علوم مختلف در بین انسان ها در جوامع مختلف اعم از جوامع اسلامی و غیر آنها.

۱۲. یکی از زمینه های نشر و تحقق این رحمت در میدان های جنگ بوده و در نوع رفتار با دشمنان و مخالفان و در رفتار با دشمنان و مخالفان و در رفتار با اسراء بوده است.

۱۳. رحمت وجود رسول اکرم (ص) بطوری که ذکر شد و اساس این بحث هم بر آن مبتنی است، اختصاص به قومی و ملتی و افراد معینی ندارد و بلکه رحمت واسعه خداوندی است که از ناحیه اراده مقدس او در وجود رسول گرامیش تجلی یافته و شامل همه انسان ها می شود، پس همه انسان ها در شناختن مجاری آن می توانند نقشی بر عهده بگیرند.

۱۴. بهترین راه ایجاد آسایش و رفاه و امنیت و بطور کلی فضای زندگی حقیقی برای جهانیان آشنا شدن با شخصیت و سیره رسول اکرم (ص) و معرفی آن برای جهانیان است. این بحث در مجموع جهات متعدد فراوان دارد، اعم از جهاتی دیگر که ذکر شد و جهاتی دیگر و ما در این نوشته به بحث و بررسی فشرده ای در موضوع تجلی این رحمت در جنگ ها می پردازیم:

### رفتارهای رسول اکرم (ص) در جنگ ها

اخلاق شریف رسول اکرم (ص) که مورد تعظیم پروردگار عالمیان قرار گرفته، جلوه های بسیار زیبایی در جنگ ها داشت. خداوند در مورد اخلاق و شخصیت رسول گرامیش می فرماید: وَاَتَكَ لَعْلَى خَلَقَ عَظِيمٍ (قلم، ۴/۶۸). توصیف اخلاق آن حضرت با کلمه «عظیم» طرف خداوند عالم حاکی از عظمت فوق ادراک اخلاق آن حضرت می باشد.

در جای دیگر خداوند می فرماید:

فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك (آل عمران، ۱۵۹/۳) یعنی از ناحیه رحمت خاصه‌ای از طرف خداوند، نسبت به آن‌ها ملایم و مهربان شدی و اگر سختگیر و خشن بودی آن‌ها از دور تو پراکنده می‌شدند. در این آیه اشاره‌ای شده به لطافت و جاذبه خاص اخلاق رسول الله (ص) با انسان‌ها و این که این درجه از نرمی و لطافت اخلاق آن بزرگوار از ناحیه رحمت خاصه‌ای است که از طرف خداوند به او عطا شده، یعنی این نوع مهربانی و لطافت اخلاق یک امر عادی متعارف نیست که در انسان‌های خوش اخلاق و بردبار و بزرگوار وجود دارد، بلکه این اخلاق از طرف خداوند عالم و رحمتی اختصاصی و فوق عادی است که به آن حضرت عطا شده است. و این درجه از ملاطفت و مهربانی اختصاص به رسول اکرم (ص) دارد و آن هم عطای الهی است.

این قسمت از بحث در جهت اثبات آن نکته‌ای بود که قبلاً ذکر شد و آن اینکه رحمت وجود پیامبر (ص) وعظمت و وسعت آن از ناحیه نوعی اتصال به خداوند است و در حقیقت همان رحمت واسعه بی‌انتهای خداوندی است که از وجود شریف رسول خدا (ص) و شخصیت و اخلاق و علم او بسوی انسان‌ها جاری می‌شود.

رفتارهای جنگی آن حضرت را در چند جهت می‌شود مورد بررسی و تدبیر و ارزیابی قرار داد، که مهم‌ترین موارد آنها عبارتند از:

۱. خودداری از اقدام به جنگ در مواجهه با مشکلات عظیم که غالباً حکام و ملت‌ها در این قبیل از حوادث اقدام به جنگ می‌کنند.
۲. جلوگیری از شروع جنگ از ناحیه دشمنان با تدابیر مختلف، حتی به خطر انداختن جان و حیات خود و تحمل سختی‌های طاقت‌فرسا.
۳. مخالفت از کشته شدن انسان‌ها حتی دشمنان، در حد ممکن.
۴. توصیه‌ها و سفارش‌های مؤکد به پیروان خود در پایبندی به اصول اخلاق کریمانه و جوانمردی و بزرگواری.
۵. ممانعت از آسیب رساندن به وسائل زندگی انسان‌ها و از بین بردن آن‌ها؛ بطوری که در جنگ‌های متداول بین انسان‌ها آسیب زدن به زندگی دشمنان عملی متعارف محسوب می‌شود.
۶. خوشرفتاری با اسراء و تلاش برای آزادی آن‌ها در اولین فرصت‌های معقول.
۷. بخشیدن دشمنان و گناهکاران در وقت تسلط بر آن‌ها، به جز مواردی که بخشیدن

دشمن موجب استمرار ظلم‌ها و آدم‌کشی‌ها از ناحیه آن‌ها خواهد شد.

۸. حضور در جنگ‌ها و اداره حوادث جنگی و مراقبت و نظارت بر رفتارهای مسلمانان و توصیه‌های لازم به آنها در مراحل مختلف و ارشاد آنها در اجرای قوانین دینی و جلوگیری از رفتارهای خشن و انتقام‌جویی که غالباً در جنگ‌ها روی می‌دهد.

قبل از تحلیل موارد فوق‌الذکر و بیان نمونه‌هایی از اخلاق و رفتارهای آن وجود شریف در جنگ‌ها، به ذکر و توضیح چند نکته در مورد جنگ و انواع آن می‌پردازیم:

### انواع جنگ‌ها

جنگ‌هایی را که بین اقوام و ملت‌ها و حکومت‌ها روی می‌دهد به لحاظ اهداف انسان‌ها در شروع آنها، می‌شود به چهار نوع تقسیم کرد. - تقسیم‌بندی اولیه -

۱. جنگ هجومی اولیه: و آن جنگی است که یک حکومت یا یک ملت برای رسیدن به اهدافی که در نظر گرفته و به دست آوردن منافع، بر ملت و حکومت دیگری تحمیل می‌کند، در این جنگ که یک طرفه است - غالباً - و طرف مقابل در شروع آن نقشی ندارد و علاقه‌ای به شروع آن از خود نشان نمی‌دهد، عنصر تعدی به حقوق انسان‌ها و غارت یا نابود کردن امکانات و وسائل زندگی آن‌ها و یا ارضاء روحیه خودخواهی و تکبر حکم فرماست.

این نوع جنگ عملی است پلید و ظالمانه و تبهکارانه و منفور طبیعت انسان‌های با روحیه سالم. طبعاً این نوع جنگ با عواطف سالم انسان‌ها هم سازگاری ندارد.

نوعی از جنگ‌ها هم که هر دو طرف به قصد تبهکاری و زورگویی و تعدی به حقوق انسان‌ها آن را شروع می‌کنند، باز از همین نوع محسوب می‌شود.

۲. جنگ دفاعی در مقابل جنگ هجومی دشمن: این جنگ جهت جلوگیری از تحقق اهداف دشمن و حفظ جان‌ها و حیات انسان‌ها و منافع خود و دیگران انجام می‌گیرد. انسان‌ها در این نوع جنگ می‌خواهند مانع حمله دشمن و یا رسیدن آن‌ها به اهداف تبهکارانه و جنگ طلبانه خود شوند.

۳. جنگ بازدارنده و پیشگیرانه: در این جنگ ملتی و قومی با اطلاع از آماده شدن دشمن برای حمله با دلائل قطعی، به منظور جلوگیری وقوع آن اقدام می‌کند، و فعالیت نظامی شروع می‌کند، اعم از این که این فعالیت به نوعی جنگ و زدوخورد منتهی شود و یا به تظاهر نظامی و اعلام آمادگی اکتفا شود و سرانجام خطر حمله دشمن از بین برود. این

جنگ هم در مقابل جنگ نوع اول انجام می گیرد.

۴. جنگ آزادی بخش: این نوع جنگ به منظور آزاد کردن انسان های تحت سلطه یک

حکومت و ملت متجاوز به حقوق انسان ها انجام می گیرد. توضیح این که گاهی ملتی به

منطقه زندگی ملت دیگری حمله می کند و آن ملت را تحت سلطه و اراده خود درمی آورد و

حکومت و اراده خود را بر آن ها تحمیل می کند و حقوق و عوامل زندگی آن ملت را ضایع

می کند. در این صورت ملت دیگری می توانند به کمک آن ملت تحت سلطه اقدام کرده آن

ها را آزاد کنند و دشمن اشغالگر را که جنگ نوع اول را بر آن ملت تحمیل کرده، دفع کنند.

این نوع جنگ آزادی بخش در دین توحیدی با حضور پیامبر خدا و یا جانشین معصوم

او یعنی امام معصوم (ع) انجام می گیرد. یعنی یک حکومت صالح کامل که همان حکومت

معصوم (ع) است قدرت و اجازه ایجاد چنین جنگی را دارد، یعنی این حق خداوندی است

که پیامبر او و یا جانشین معصوم او که قدرت و علم پیامبر خدا (ص) را دارد، بنده های

خداوند را از سلطه حکومت جباران نجات دهد. چون این نوع جنگ ابعاد و جهات متعددی

دارد و عواقب و نتایج آن برای غیر معصوم (ص) قابل پیش بینی و کنترل نمی باشد، غیر از

پیامبران خدا (ص) و امامان معصوم کسی نمی تواند از عهده چنین جنگی برآید، چون

احتمال دارد انسان ها و حکومت های عادی بشری در مقام دفع ظلم، ظلم دیگری مرتکب

شوند و آن هدف مقدس آزادی بخش در این نوع جنگ تحقق نیابد.

این سه نوع از جنگ ها را در مجموع می شود جنگ دفاعی نامید. با این وصف

می شود جنگ ها را بطور کلی در دو نوع تقسیم بندی کرد:

۱. جنگ هجومی اولیه

۲. جنگ دفاعی

در عرف اخلاق و احکام دین توحیدی جنگ هجومی اولیه عملی است پلید و ظالمانه

و نامشروع و مخالف جوانمردی و کرامت های اخلاقی و ضایع کننده حقوق انسان ها، طبعاً

هیچ گونه تأییدی و تجویزی برای این نوع جنگ ها در اخلاق و رفتار پیامبر اکرم (ص)

وجود ندارد. آن حضرت عرضه کننده صورت کامل دین توحیدی برای انسان ها است، طبعاً

در سیره شریف او که رحمتی است برای عالمیان این نوع از جنگ هیچ جایگاهی ندارد.

اما همچنانکه جنگ هجومی اولیه عملی است پلید و ظالمانه و منفور و شوم و

زشت، در مقابل جنگ نوع دوم یعنی جنگ دفاعی عملی است مقدس و مبارک و جوانمردانه و ارزشمند و مطابق با احکام و اخلاق عقلی و دینی. چون بازدارنده از ظلم ها و احیاء کننده عدالت و تأمین کننده حقوق انسان ها و آسایش و امنیت و صلح و انسان دوستی است.

### رفتارهای رسول اکرم (ص) در جنگ های دفاعی

جنگ از نوع اول که به طور کلی در عرف دین توحیدی محکوم و مطرود و منفور است - بطوری که قبلاً به آن اشاره شد - امام جنگ نوع دوم هم در سیره شریف رسول خدا (ص) با روشی بسیار کریمانه و توأم با مهربانی ها و بزرگواری ها و بکار بردن تمامی عوامل در جلوگیری از کشته شدن انسان ها انجام می گرفت، و در تمامی جنگ هایی که با حضور آن حضرت و یا به دستور او انجام گرفته رحمت خداوندی از وجود شریف رسول اکرم به سوی انسان ها جریان یافته است.

روش آن حضرت در جلوگیری از حتی این نوع جنگ ها و حل مشکلات از طریق دیگری غیر از جنگ و در صورت اجتناب ناپذیر بودن و شروع جنگ، در اداره آن نشان دهنده تجلیات مستمر رحمت گسترده الهی بوده است و جهت ارائه مواردی از آن به تحلیل و توضیح و ذکر و بیان حوادثی از بعضی جنگ ها می پردازیم.

لازم به ذکر است که جنگ هایی را که شخص رسول اکرم (ص) در آن ها حضور داشت اصطلاحاً «غزوه» و جنگ هایی را که مسلمانان به دستور آن حضرت انجام می دادند و شخص رسول خدا (ص) در آن ها حضور نداشت «سریه» می گویند. تعداد غزوات آن حضرت را غالب مورخان بیست و هفت تا نوشته اند:

### غزوه بدر کبری

اولین غزوه ای که کار به زد و خورد بین مسلمین و کفار قریش کشید غزوه بدر کبری بود. قبل از این جنگ، چند غزوه دیگر وقوع یافته بود که در آن ها کار به صلح و مراجعت بدون برخورد با دشمن منجر شده بود و یا به صرف تظاهر نظامی و اعلام آمادگی برای جنگ جهت بازدارندگی اکتفا شده بود. بطور کلی از بیست و هفت غزوه رسول اکرم (ص) فقط در نه مورد از آن ها کار به جنگ یعنی زد و خورد کشید و آن ها عبارت بودند از غزوات: بدر، احد، خندق، قریظه، مصطلق، خیبر، فتح، حنین و طائف.<sup>۱</sup>

به عنوان مثال: در غزوه «وذان» که در ماه صفر سال دوم هجری واقع شد، کار به انعقاد قرارداد صلح با «بنی ضمیره» منتهی شد و جنگی واقع نشد و در غزوه «بواط» که به قصد جلوگیری از حمله کاروانی از قریش به مدینه آغاز شد، رسول اکرم (ص) تا «بواط» که در ناحیه «رضوی» قرار دارد پیش رفت و از آن جا به مدینه بازگشت. و در غزوه «سفوان» یا «بدر اولی» که به قصد دفع «کرز بن جابر فهری» انجام گرفت، جهت این که او و همراهانش ربه مدینه را غارت کرده بودند، رسول خدا (ص) در تعقیب او تا وادی سفوان از ناحیه «بدر» پیش رفت و چون با او مواجه نشد به مدینه بازگشت.<sup>۲</sup>

از بررسی سیره شریف رسول اعظم (ص) و دقت در رفتارهای آن حضرت برمی آید که لشگرکشی های او لزوماً برای جنگ به معنای زد و خورد و غلبه بر دشمنان نبود و اکثر آن ها جنبه تظاهر نظامی جهت بازدارندگی از جنگ داشت و آن حضرت تمامی سعی خود را برای جلوگیری از زد و خورد و کشته شدن انسان ها به کار می برد.

در هر صورت اولین بار در غزوه «بدر کبری» کار دو سپاه به جنگ کشید، تعداد سپاه دشمن در این جنگ سه برابر مسلمین بود و آن ها به قصد جنگ، مسافت بین مکه و مدینه را طی کرده بودند.

پیامبر (ص) در این جنگ هم تلاش کرد تا کار به زد و خورد نکشد فلذا پیام فرستاد برای آن ها که من دوست ندارم جنگ را شروع کنم و از شما می خواهم از این جا برگردید، شما خویشان و عشیره من هستید.<sup>۳</sup>

توصیه های رسول الله (ص) در خودداری از جنگ در تعدادی از سران سپاه دشمن مؤثر واقع شد و آن ها تمایل به صلح و بازگشت پیدا کردند، مثل عتبه بن ربیع که تلاش می کرد از وقوع جنگ جلوگیری کند، اما فتنه انگیزی ابوجهل و بعضی دیگر کار را به جنگ کشاند.

مشاوره رسول اکرم (ص) با افراد سپاه خود قبل از جنگ

پیامبر خدا (ص) قبل از مواجه شدن با سپاه دشمن با افراد سپاه خود مشورت کرد و نظر آن ها را جویا شد. بعضی از همراهان نظراتی ابراز داشتند، آن حضرت نظرات دیگران را جویا شد تا این که «مقداد بن عمر» به پا خواست و اعلام کرد که هر راهی را رسول خدا (ص) انتخاب کند، همراهی خواهند کرد و آمادگی روحی کامل خود را برای جنگ و هر تصمیم دیگری که آن حضرت بگیرد، به عرض رسانید، باز هم رسول خدا (ص) به مشورت



و بیان نظرات همراهان ادامه داد و بیشتر تمایل داشت نظرات انصار را بشنود، چون اکثر همراهان از انصار بودند.<sup>۴</sup> و آن‌ها قبل از هجرت رسول اکرم (ص) در «عقبه» با آن حضرت بیعت کرده بودند و او را به شهر خودشان «یثرب» (مدینه) دعوت کرده و متعهد شده بودند که از او و دینش حمایت خواهند کرد.

«سعد بن معاذ» در جواب نظر خواهی رسول خدا (ص) عرض کرد: ای رسول خدا گویا به ما نظر داری! رسول خدا (ص) فرمود: آری. سعد گفت:

پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا (ص)، ما به تو ایمان آورده و تو را تصدیق کرده ایم و شهادت می دهیم به این که آن چه را آورده ای حق است و از جانب خداوند، ما را هر طرف خواستی ببر ما همراه تو هستیم حتی اگر دستور دهی همراه تو وارد دریا شویم این کار را خواهیم کرد...<sup>۵</sup>

رسول اکرم (ص) بعد از این نظرخواهی تصمیم به جنگ و مقابله با سپاه دشمن گرفت، البته با همان روشی که قبلاً ذکر شد.

### رفتارهای رسول اکرم (ص) قبل از شروع جنگ

شروع جنگ اجتناب ناپذیر بود، رسول الله (ص) قبلاً دستور داد تا حوضچه ای در کنار چاه های بدر ساختند و آب در آن ذخیره کردند و به سپاه خود فرمودند: اگر از سپاه دشمن کسی خواست از حوضچه آب بنوشد، مانعش نشوید.

وقتی سپاه دشمن آماده جنگ شدند و مقابل مسلمین قرار گرفتند، پیامبر اکرم (ص) دعا کردند و خطاب به پروردگار عالم عرض کرد:

خداوندا این قریش است که با تکبر و فخر فروشی به دشمنی با تو روی آورده و رسول تو را تکذیب می کند، پروردگارا خواستار نصرتی هستم که به من وعده دادی، خدایا در همین صبح امروز آن‌ها را نابودشان ساز.<sup>۶</sup>

قبل از شروع جنگ رسول اکرم (ص) به اصحاب خود فرمود:

من می شناسم مردانی از بنی هاشم و دیگران را که تمایلی به جنگ با ما ندارند و آن‌ها را اجباراً به این جا آورده اند، پس اگر با آن‌ها مواجه شدید آن‌ها را نکشید، سپس عده ای را نام برد که آن‌ها را از روی اکراه و اجبار به جنگ آورده بودند.<sup>۷</sup>

وقتی قبل از جنگ رسول خدا (ص) صفهای سپاه خود را مرتب و منظم می کرد، چوبی

در دست داشت که به شکم یکی از اصحابش اصابت کرد، او گفت یا رسول الله مرا به درد آوردی، در حالی که خداوند تو را حق و عدالت فرستاده است، پس به من اجازه بده تا قصاص کنم! آن حضرت فرمود:

بیا قصاص کن و او جلو رفت و شکم رسول خدا را بوسید! حضرت سؤال کرد که به چه منظور این کار را کردی؟ گفت: یا رسول الله ملاحظه می فرمایید که چه وضعی پیش آمده، خواستم در آخرین ساعتی که با تو هستم بدین شما را بوسیده باشم! رسول خدا (ص) در مورد او دعای خیر کرد.

سرانجام جنگ با مبارزه مشرکان شروع شد، مسلمین با وجود کمی نفرات و نداشتن سلاح و امکانات جنگی مناسب در اثر رهبری رسول خدا (ص) و استقامت و صبر و توکل به پروردگار عالم و اتصال به قدرت او بر مشرکان غلبه کردند، به طوری که هفتاد نفر از مشرکان و رؤسا و سران آنها در این جنگ کشته شدند و عده ای از آنها اسیر شدند و بقیه با حالت شکست خورده و وحشت زده رو به فرار گذاشتند و به طرف مکه برگشتند. در این جنگ طبق تصریح قرآن مجید، نصرت خداوند بر پیامبر اکرم (ص) و سپاهیان نازل شد و آنها به وسیله سپاهی از ملائکه تقویت شدند، البته نزول نصرت خداوند بعد از استقامت و توکل آنها به خداوند و تحمل خطر کشته شدن در راه دفاع از دین توحیدی و رسول پروردگارشان بود. خداوند در این زمینه می فرماید:

ولقد نصرکم اللہ بیدر و انتم اذلة فاتقوا اللہ لعلکم تشکرون (آل عمران، ۱۲۳/۳)

یعنی خداوند شما را در جنگ بدر یاری کرد در حالی که [از نظر نظامی و سلاح و نفرات] ناتوان بودید... و در آیه دیگری اشاره ای به یکی از سنت های خداوند در جهت امداد مؤمنان و شرایط آن امداد کرده و می فرماید:

بلی ان تصبروا و تقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمدکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومین (آل عمران/ ۱۲۵) یعنی اگر شما استقامت کنید و ملتزم تقوی باشید و مورد حمله ناگهانی دشمن قرار بگیرید، خداوند شما را به پنج هزار ملائکه نشان دار مدد می کند.

نحوه تجلی رحمت رسول الله (ص) در جنگ ها

با توجه به حوادثی که در این جنگ اتفاق افتاد - و به بعضی از آنها اشاره شد - نحوه ظهور و تجلی رحمت وجود رسول اعظم (ص) را نسبت به انسان ها توضیح می دهیم:

۱. گفته شد که غزوه بدر کبری اولین موردی است که کار در آن به جنگ به معنای زده خورد کشید و در عمده غزوات - چه قبل و چه بعد از آن - در اثر فعالیت های آن حضرت از وقوع جنگ جلوگیری شد. آن حضرت از راه های مختلف، حتی تحریک عواطف افراد سپاه دشمن سعی می کرد مانع درگیری و کشته شدن انسان ها و بروز خشونت ها و بوجود آمدن کینه ها شود، و غالباً این فعالیت ها با روش ملاحظت آمیز و مدبرانه آن حضرت در دل های دشمنان اثر می کرد و آن ها از جنگ منصرف می شدند.

۲. اصل لشگرکشی و حرکت به سوی دشمن هم به همین منظور - عمدتاً - انجام می گرفت و یک نوع حالت بازدارندگی از جنگ پیدا می کرد، یعنی آن رحمت واسعه تجسم یافته خداوند از آمادگی پیروانش برای جنگ و قدرت و صلابت آن ها هم در جلوگیری از وقوع جنگ استفاده می کرد، حتی اگر مقتضی بود از طریق شکستن روحیه دشمن و ترساندن آن ها که قصد جنگ داشتند، از وقوع آن جلوگیری می کرد.

۳. حضور شخصی در جنگ ها خطرات زیادی برای وجود رسول الله (ص) و آینده دین توحیدی و نهضت مقدس او داشت، چون قصد اصلی و همت دشمن در جنگ ها، کشتن شخص آن حضرت بود و برای این هدف، فعالیت زیادی می کرد، تا جایی که در جنگ احد دشمن به دروغ ادعا کرد که رسول خدا (ص) کشته شده و همین شایعه دروغ عامل از هم پاشیده شدن سپاه مسلمین شد و وضعیت بحرانی خطرناکی پیش آمد، که آن حضرت قدمی بیش با کشته شدن فاصله نداشت و در مرحله ای از جنگ فقط شخص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در کنار آن حضرت باقی مانده بود و آن بزرگوار در حالی که زخم های زیادی به بدنش خورده بود، از وجود شریف رسول اکرم (ص) دفاع می کرد. در آن جنگ آن حضرت مجروح شد و فاصله زیادی با کشته شدن نداشت.

امیر المؤمنین علی (ع) در توصیف موقعیت های خاص جنگی در زمان رسول الله (ص) می فرماید:

«كنا اذا احمرّ البأس اتقينا برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، فلم يكن احد منا اقرب الى العدو منه»<sup>۱</sup> یعنی وقتی آتش جنگ شعله ور می شد و شدت می گرفت ما (سپاه مسلمین) به رسول الله (ص) پناه می بردیم و کسی به دشمن نزدیکتر از آن حضرت نبود.

این کلام امیرالمؤمنین علی (ع) متضمن معانی دقیق و لطیفی است و آن این که شخص امیرالمؤمنین در جنگ‌ها حفاظت از وجود مبارک رسول الله (ص) را به عهده داشت و با فداکاری‌های بی نظیر، خطرات را از وجود او دفع می‌کرد به طوری که در جنگ در جهت حفاظت از آن حضرت ده‌ها زخم خطرناک به بدن شریفش اصابت کرد و خطر کشته شدن را از آن حضرت دفع کرد.

عده دیگری از مسلمین هم در حد توان و شجاعت خود خطرات را از وجود مقدس رسول الله (ص) دفع می‌کردند، پس این پناه بردن به رسول الله (ص) باید علت و حکمت دیگری داشته باشد!!

سید رضی (ره) جامع نهج البلاغه در توضیح این کلام امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: معنی این چنین است که هنگامی که ترس از دشمن عظیم می‌شد و جنگ شدت می‌یافت، مسلمین به شخص رسول الله پناه می‌بردند، پس خداوند به وسیله رسول الله (ص) پیروزی [و نصرت] را برای آن‌ها نازل می‌کرد....

متفکر بزرگ معاصر فقید سعید مرحوم محمد تقی جعفری در ترجمه نهج البلاغه خود کلام سید رضی را با افزودن توضیحی به صورت ذیل ترجمه کرده است:

و معنای این سخن چنین است که هنگامی که ترس از دشمن شدید می‌شد و گزیدن جنگ سخت تر می‌گشت، مسلمانان به ورود خود پیامبر اکرم (ص) به جنگ پناهنده می‌شدند (می‌خواستند خود پیامبر وارد کارزار شود). پس خداوند پیروزی را بر آنان به جهت وجود آن بزرگوار نازل می‌فرمود و آنان از آن چه می‌ترسیدند، به جهت وجود نازنین آن حضرت آسوده خاطر می‌گشتند....<sup>۹</sup>

به نظر می‌رسد نکته مهم کلام امیرالمؤمنین علی (ع) همانست که مرحوم سید رضی آن را به صورت خیلی مجمل بیان فرموده و ترجمه مرحوم محمد تقی جعفری هم با افزودن توضیحی معنای آن را روشن تر کرد، و می‌شود توضیحی به کلام شریف حضرت امیر (ع) ذکر کرد، هم به عنوان تفصیلی بر کلام سید رضی (ره) و هم تکمیل آن و یا بیانی شبیه آن همراه با تفصیل و آن این که:

الف: طبعاً پناه بردن مسلمین در مراحل شدیدتر جنگ به رسول الله (ص) به منظور زنده ماندن خود و در خطر قرار داشتن رسول الله (ص) نمی‌تواند باشد. به جهت این که حداقل

تعداد قابل توجهی از آن‌ها در حین جنگ همتشان در دفاع از رسول الله (ص) و دفع خطرات از وجود مبارک آن حضرت بود. اگر چه قهرمانی‌های امیرالمؤمنین (ع) در این جهت بسیار باشکوه و فوق حد محاسبات و ارزیابی‌های عادی بوده، اما تعداد قابل توجهی از مسلمین هم در این جهت تلاش و همتی داشتند و این موضوع قابل کتمان و بی‌اعتنایی نمی‌باشد.

ب: اگر گفته شد امیرالمؤمنین (ع) و عده‌ای از مسلمین همتشان در حفاظت از وجود رسول الله (ص) به کار می‌رفت، ولی همه مسلمین دارای این روحیه و شجاعت نبودند و در مراحل خطرناک جنگ جهت محفوظ ماندن از خطرات به رسول الله (ص) پناه می‌بردند و در کنار او قرار می‌گرفتند!

در جواب می‌شود گفت: این عمل را امیرالمؤمنین به مجموع مسلمین حاضر در جنگ و خود نسبت داده و فرموده است که: ما به رسول الله (ص) پناه می‌بردیم و این عمل را به عنوان عملی صحیح و مطلوب تلقی فرموده نه عمل نادرست یا کم ارزش!

ج: تعداد قابل توجهی از مسلمین در جنگ‌ها از خود شهامت و شجاعت زیادی نشان می‌دادند و این عده غالباً از کشته شدن در جهاد مقدس نمی‌ترسیدند و بعضی در آرزوی شهادت و رسیدن به برکات آن بودند، اگر چه، مسلمین همراه رسول الله (ص) دارای چنین روحیه‌ای نبودند، اما عده قابل توجهی دارای اوصاف فوق‌الذکر بودند و اعمال و رفتار آن‌ها طوری چشمگیر بود که می‌شود مقاصد آن‌ها را به مجموع سپاه مسلمین نسبت داد، چون اعمال و رفتار این گروه مسیر جنگ‌ها را تعیین می‌کرد.

علاوه بر این خود شخص امیرالمؤمنین حتی به تنهایی گاهی قدرت تعیین مسیر یک جنگ و یا قسمتی از آن را داشت، به طوری که در جنگ بدر از هفتاد نفر از کشته‌های مشرکان سی و شش نفر فقط به دست آن حضرت کشته شدند و سی و چهار نفر به دست تمام سپاه مسلمین، یعنی نقش آن حضرت به تنهایی از تمام سپاه مسلمین بیشتر بود. و در جنگ احد در اولین ساعت جنگ فرماندهان هر نه دسته از سپاه دشمن به دست آن حضرت کشته شدند و مشرکان با این شکست عظیم از هم پاشیده و رو به فرار گذاشتند و بعداً در اثر اعمال گروهی از مسلمین در اجرای فرمانی از رسول الله (ص) مسیر جنگ عوض شد. با این حساب لازم می‌آید که پناه بردن مسلمین در جنگ در حالی که امیرالمؤمنین (ع) هم بین آن‌ها بود باید حکمت دیگری داشته باشد نه آن‌چه در ظاهر امر و در ابتدا به نظر می‌رسد.

می شود گفت: نترسیدن از کشته شدن یک مطلب است و علاقه به پیروزی بر مشرکان و دفع آدمکشان تبهکار و جلوگیری از آدمکشی آن‌ها مطلبی دیگر. یعنی طبعاً مسلمین در جنگ‌ها قصد اصلی و اولیه‌شان زنده ماندن و سرکوب مشرکان و حفظ دین خدا و تقویت آن بود.

د: مسلمین ایمان داشتند به این که رسول اکرم (ص) مورد توجهات و عنایات خاصه پروردگار عالم قرار دارد و مراقبت و محافظت خاصی از وجود مبارکش به عمل می‌آید و ملائکه معینی از طرف خداوند عهده دار محافظت از حیات او هستند و محل استقرار آن حضرت مستمراً بالخصوص در میادین جنگ و موقعیت‌های خطرناک محل نزول رحمت و برکات خاصه خداوند عالمیان است، فلذا می‌شود گفت: مسلمین جهت بهره‌مند شدن از رحمت و برکات الهی که بر آن حضرت نازل می‌شد، به او و محل استقرار او پناه می‌بردند، حتی اگر از جمله آثار آن برکات و عنایات، نجات از کشته شدن و یا تقویت روحی برای رسیدن به پیروزی و شکستن سپاه دشمن باشد و آن‌ها هم به همین منظور به آن حضرت پناه ببرند. در مورد موقعیت و مقام رسول الله و عنایات و توجهات خاص پروردگار عالمیان نسبت به آن حضرت و این که وجود شریفش رحمتی است گسترده برای جهانیان و محل نزول رحمت و برکات خاصه خداوند، در قرآن مجید آیات وجود دارد که به یکی از موارد بسیار صریح آن‌ها اشاره‌ای می‌کنیم:

خداوند عالم می‌فرماید:

وما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون (انفال، ۸/۳۴)

آیه خطاب پیامبر اکرم و خداوند عالمیان به او می‌فرماید:

خداوند در مقام عذاب کردن آن‌ها نبود، مادام که تو در بین آن‌ها باشی و خداوند عذاب کننده آن‌ها نبود، اگر آن‌ها در حال استغفار باشند.

امام ابو جعفر محمد بن علی الباقر (ع) از امیرالمؤمنین علی (ع) حکایت کرد، که او می‌فرماید:

در زمین دو وسیله امان از عذاب خداوند بود، که یکی از آن دو به عالم بالا برده شد، و به دومی روی بیاورید و به آن تمسک بجوید، اما آن امانی که به عالم بالا برده شد، رسول خدا (ص) بود و اما آن امانی که باقی است و برقرار است، استغفار می‌باشد، بطوریکه خداوند فرمود: وما كان الله ليعذبهم و انت فيهم...<sup>۱۰</sup>

سرانجام این که آیه کریمه اشاره ای به سرتبه ای و مرحله ای از رحمت وجود رسول الله (ص) و حاکی از این مطلب است که حتی اقامت آن وجود مقدس در منطقه ای از زمین و در بین قومی و ملتی و گروهی از انسان ها مانع نزول عذاب و سبب امنیت انسان ها در آن منطقه می باشد، حتی اگر آن انسان ها گناهکار هم باشند و یا در بین آن ها گناهکارانی وجود داشته باشد. استناد به آیه کریمه هم برهانی بود بر اثبات آن چه که در قسمت اخیر ذکر شد، و هم اشاره ای به موضوع اصلی مورد بحث در این نوشته و هم اشاره ای به نحوه مشمولیت انسان ها اعم از مؤمنان و کافران و گناهکاران نسبت به رحمت خداوندی که از وجود رسول الله (ص) جریان می یابد.

۴. گفته شد که رسول اکرم (ص) قبل از شروع جنگ خطاب به افراد سپاهش فرمود:

« من می شناسم مردانی از بنی هاشم و دیگران را که تمایلی به جنگ با ما ندارند... »

و این موضوع خیلی شگفت آور است که آن حضرت در چنان موقعیت خطرناکی به فکر افراد دشمن بوده و گروهی از آن ها را که تمایلی به جنگ نداشتند و از روی اکراه آمده بودند معرفی می کنند و نام می برد و توصیه می کند که آن ها را نکشند.

و چون طبعاً بنی هاشم را که از بستگان آن حضرت بودند و آن ها را بیشتر می شناخت و با روحیه و افکارشان آشنا بود اول نام می برد و بعد دیگران را و هیچ ملاحظه نمی کند که شاید بعضی از مخالفان و یا منافقان خواهند گفت که او بیشتر به فکر بستگان خود می باشد و می خواهد آن ها کشته نشوند. یعنی در مقام حفظ جان انسان ها، به فکر موقعیت سیاسی و اجتماعی خود نیست.

اما جالب است که در خطرناک ترین مراحل جنگ آن حضرت همیشه بستگان خود را که ایمان آورده بودند و در بین مسلمین و یکی از آن ها بودند، به مقابل دشمن می فرستاد و به وسیله آن ها که شجاع تر و خالص تر بودند از بقیه مسلمین دفع خطر می کرد.

امیر المؤمنین علی (ع) در این زمینه می فرماید:

« و ما کان رسول الله - صلی الله علیه و آله - اذا احمرّ البأس و احجم الناس قدم اهل بینه فوقی بهم اصحابه حرّ السیوف و الأسنه فقتل عبیده بن الحادث یوم بدر و قتل حمزه یوم احد و قتل جعفر یوم مؤته؛ »<sup>۱۱</sup> یعنی رسول خدا (ص) هنگامی که جنگ شدت می گرفت اهل بیت خود را پیش می انداخت و به وسیله آن ها

اصحابش را از حرارت شمشیرها و نیزه‌ها حفظ می‌کرد، چنان‌که عبیده بن الحارث در جنگ بدر و حمزه در جنگ احد و جعفر در جنگ موه شهید شدند.

بالا تر از این‌ها موضوع مقدم شدن خود امیرالمؤمنین علی (ع) در خطرناک‌ترین مراحل جنگ بود، با این‌که او محبوب‌ترین انسان‌ها و گرامی‌ترین آن‌ها در نظر رسول الله (ص) بود، و در مسیر حوادث نهضت مقدس دین توحیدی احتیاج شدیدی به وجود و حضور او بود، اما رسول خدا (ص) او را مقدم می‌داشت و او دائماً در گرداب‌های خطرناک حوادث قرار می‌گرفت.

۵. گروهی از سپاه کفار در این جنگ به اسارت مسلمانان درآمدند، رسول اکرم (ص) در مورد اسراء و رفتار با آن‌ها به مسلمانان دستوراتی داد و به آن‌ها توصیه فرمود که با آن‌ها خوشرفتاری کنند، از بعضی از اسرای جنگی نقل شده است که مسلمین به دستور رسول الله (ص) آن‌چنان با ما خوشرفتاری می‌کردند که گاهی ما از آن‌ها شرمند می‌شدیم. و باز از آن‌ها نقل شده است که مسلمانان غذاهای مرغوب خود را به ما می‌دادند و غذاهای بی‌ارزش‌تر را خودشان می‌خوردند.

اسرای جنگ بعداً به طرق مختلفی آزاد شدند، حتی آن‌هایی که خواندن و نوشتن بلد بودند، به دستور رسول خدا (ص) هرکدام با یاد دادن خواندن و نوشتن به ده نفر از مسلمانان آزاد می‌شدند.

اما ترحم به حال اسراء و ملاحظت با آن‌ها مجوزی عقلی یا شرعی ایجاد نمی‌کند که آن‌ها بلافاصله و بدون هیچ قیدی آزاد بشوند، چون در آن صورت مجدداً زمینه جنگ و آدمکشی به وسیله آن‌ها فراهم می‌شود و اگر هیچ جریمه یا مشکلی یا تنبیهی در مورد آن‌ها بکار بسته نشود، نوعی تشویق به تبهکاری و ایجاد جنگ در مورد آن‌ها محسوب خواهد شد، و موجب ادامه جنگ‌ها و تبهکاریها.

۶. از جمله رفتارهای رسول اکرم (ص) قبل از شروع جنگ، نشان دادن راه‌های وصول به منابع بی‌پایان رحمت پروردگار و پناهگاه‌های محکم و امن و مطمئن توحیدی است و روشی برای بهره‌مندی از قدرت و رحمت بی‌انتهای خداوند، در همه جهات زندگی و آن راه «دعا» و در نتیجه اتصال به گنجینه‌های نعمت‌های خداوند است.

گفته شده است که پیامبر اکرم (ص) در روز بدر وقتی متوجه کثرت افراد دشمن و



کمی افراد سپاهش شد، رو به قبله ایستاد و خطاب به پروردگارش عرض کرد:  
پروردگارا به وعده خود [در مورد امداد و کمک] به من وفا کن. اگر این گروه و  
پیروان دین توحیدی کشته شوند، تو در روی زمین عبادت نخواهی شد، و او پیوسته  
دعا می کرد و از خداوند کمک می خواست... ۱۲.

این دعا مستجاب شد و به دنبال آن نصرت آسمانی نازل شدند و سپاهی از ملائکه به  
کمک مسلمین نازل شد و یا اینکه این گروه از ملائکه قبلاً نازل شده و در کنار مسلمین  
مستقر شده بودند و وقتی رسول اکرم (ص) دعا کرد و استحقاق دریافت امداد آسمانی در  
مسلمین پیدا شد، اراده پروردگار عالم به توسط آن ها جریان یافت.  
در آن حادثه که قبل از وقوعش خداوند عالم آن را به پیامبرش خبر داده بود و با وعده  
نصرت او را مورد عنایت قرار داده بود و زمینه نصرت آسمانی آماده بود، باز هم جهت تحقق  
آن وعده و نزول نصرت خداوند، دعا لازم بود و از طریق دعای رسول خدا (ص) اراده خداوند  
مبنی بر نصرت مسلمین جریان یافت و پیروزی آن ها بر سپاه قدرتمند دشمن محقق شد. ۱۳  
ارتباط زندگی انسان ها با ملائکه

قبلاً اشاره شد به این که در جنگ بدر گروهی از ملائکه به کمک مسلمین آمدند و  
اراده خداوند در جهت نصرت آن ها از طریق ملائکه معینی تحقق یافت. در این حادثه  
رسول اکرم (ص) یک راه بسیار متعالی و فوق عادی به سوی منابع بی پایان رحمت خداوند  
به انسان ها نشان داد و به آن ها تذکر داد که در زندگی خود، تنها و به حال خود رها شده  
نیستند. و گروهی از موجودات غیر از انسان ها در کنار آن ها قرار دارند، که دارای  
قدرت های عظیمی می باشند و زندگی انسان ها را در روی زمین و در مقصد آفرینش یعنی  
عالم آخرت و بهشت به جریان می اندازد.

شناختن ملائکه و ایمان به آن ها و دریافت علومی از قرآن مجید در مورد آن ها منشأ  
فواید عظیمی در زندگی انسان ها خواهد شد و انسان به قدرت عظیم و بی پایانی متصل  
خواهد شد و از طریق علم و ایمان به آن ها و پیدا کردن نوعی اتصال به عالم آن ها، با  
توجه به اتصالی که ملائکه با عالم دنیا و زندگی انسان ها و عالم فوق ماده دارند، تحولی  
عظیم در زندگی آن ها پیدا خواهد شد. این بحث دارای ابعاد وسیعی است که احتیاج به  
بحث مستقلی در مورد آن وجود دارد. ۱۴

۱. تاریخ پیامبر اسلام، دکتر محمد ابراهیم آیتی / ۲۴۰، چاپ دانشگاه تهران، به نقل از سیره ابن اسحاق و اعلام الوری طبرسی.
۲. همان / ۲۴۸-۲۵۱.
۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ۱۹/۲۲۴، دار احیاء التراث العربی، بیروت؛ منتهی الآمال، شیخ عباس قمی / ۷۰، کانون انتشار تهران.
۴. بحار الانوار، ۱۹/۲۱۷؛ تاریخ پیامبر اسلام / ۲۵۵.
۵. سیره النبی (سیره ابن هشام)، ۲/۲۵۴، دارالفکر؛ بحار الانوار، ۱۹/۲۱۸.
۶. سیره ابن هشام، ۲/۲۶۰؛ تاریخ پیامبر اسلام / ۲۶۰.
۷. سیره ابن هشام، ۲/۲۶۹.
۸. نهج البلاغه بخش حکمت ها، فصل «غریب کلامه»، شماره ۹. این فصل کوتاه داخل بخش حکمت های نهج البلاغه بعد از حکمت ۲۶۰ در نهج البلاغه صبحی صالح قرار دارد.
۹. ترجمه نهج البلاغه، محمد تقی جعفری / ۱۱۳۹.
۱۰. نهج البلاغه، حکمت ۸۸.
۱۱. همان، نامه شماره ۹.
۱۲. مجمع البیان لعلوم القرآن، شیخ طبرسی، ۴/۶۴۹، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۳. برای اطلاع بیشتر در این زمینه و به دست آوردن نظریات ائمه معصومین (ع) می توان به منابع حدیثی مثل کتاب اصول کافی، ج ۴ (دوره چهار جلدی مترجم فارسی) کتاب الدعاء مراجعه کرد.
۱۴. برای اطلاع از عالم ملائکه و اوصاف این موجودات به منابع کلامی و تفسیری و حدیثی از جمله تفسیر المیزان، و نیز آیات و سوره های ذیل مراجعه کرد: اسراء آیات ۶۶-۷۲، حجر آیات ۱-۹، انبیاء آیات ۱۶-۳۳، سبأ آیات ۲۲-۳۰، فاطر آیات ۱-۳۵، ق آیات ۱۵-۳۸، مریم آیات ۶۴-۶۵.